

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و دوم - زمستان ۱۳۹۷

ص: ۷۱-۸۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

## آسیب‌شناسی انتخاب همسر در شهر اصفهان: یک مطالعه کیفی

دکتر مجید جعفریان<sup>۱</sup>

دکتر سمیه لبافی<sup>۲</sup>

### چکیده

انتخاب همسر از اساسی‌ترین کنش‌های انسانی در عرصه خانواده طی زیست جمعی هزاران سالانه بوده است. این کنش‌ها همواره با الهام از سلایق فردی، پیشینه‌های قومیتی، فرهنگی و مذهبی برای تعیین شخصی بوده که در آینده نقش اساسی در زندگی آنها داشته است. با این حال، امروزه با تغییرات زیستی، قومیتی، مهاجرت و رشد شبکه‌های ارتباطی تحولات جدی و آسیب‌های روزافزونی به این بخش از زندگی انسانی وارد شده است. تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل مضمون است که به بررسی نظرات افراد در مورد آسیب‌های انتخاب همسر در شهر اصفهان می‌پردازد. برای گردآوری داده‌های تجربی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و با ۲۰ نفر از افراد جامعه درگیر مصاحبه نیم‌ساخت‌یافته انجام شده است. در تحلیل مضامین مشخص شد اقتصادی‌اندیشی در انتخاب‌ها تعیین‌کننده اصلی است. معیارهای دینی و اخلاقی افول یافته و انتخاب‌ها برای کسب و ارتقاء موقعیت‌های اجتماعی است. ذهن جوانان واجد نوعی پارادوکس در شیوه انتخاب به سبک مدرن و سنتی شده، قدرت و نقش خانواده‌ها افول کرده و انتخاب‌ها سریع و صرفاً عاشقانه شده است.

**واژگان کلیدی:** آسیب‌شناسی، انتخاب همسر، رویکرد کیفی، تحلیل مضمون، اصفهان

۱. دانش‌آموخته دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم. قم ایران (نویسنده مسئول)

majidjafarian1357@yahoo.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات - ایرانداک labafi@irandoc.ac.ir

## مقدمه

امروزه همسرگزینی جوانان یکی از چالش‌های اصلی جوامع بزرگ قلمداد می‌شود. پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد که جوانان به دلایل مختلفی از ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه به عنوان یک مسأله شخصی بلکه به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است. جوانانی که به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی مجبور به خانه‌نشینی می‌شوند و جوانانی که دوست دارند مجرد بمانند، و جوانانی که تا سن بالا با پدر و مادر خویش زندگی می‌کنند و برای آغاز زندگی توقع‌های بالایی دارند (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۰) در عمل همگی پدیده تجرد را به صورت یک مشکل عمومی درآورده و بیشتر خانواده‌های ایرانی را با این مسئله مواجه کرده‌اند.

از سوی دیگر بسیاری از جوانان در معیارها و شیوه‌هایی که در انتخاب همسر وجود دارد دچار تردیدند. دختران و پسران کنونی مثل دوران گذشته نمی‌توانند همسر خود را ندیده و نشناخته انتخاب نمایند. توجه جوانان به همسانی فکری، اخلاقی و هنجاری در امر همسرگزینی به صورت یکی از مشکلات آنها درآمده و در بسیاری موارد به عنوان یک مانع بزرگ بر سر راه ازدواج آنان قرار گرفته است. آنها به خوبی دریافته‌اند که عدم توجه به این امر می‌تواند موجب شکنندگی ازدواج شده و در نهایت به طلاق منجر شود (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴، ۱۰۷).

در عین حال، براساس مطالعات انجام شده مشخص است که عوامل گوناگونی بر فرایند انتخاب همسر تأثیرگذار بوده است. به طور مثال، والرئ اپنهایمر در مطالعه‌ای نشان داد که ارتباط نزدیکی بین مسائل اقتصادی و انتخاب همسر وجود داشته است. به نظر او منحنی پیشنهاد انتخاب و ازدواج به ویژه از سوی زنان تحت تأثیر درآمد مردان است. به این معنا که اگر درآمد مردان کاهش یابد، از ارزش مردانه آنها کاسته شده به طوری که زنان تمایل کمتری به انتخاب و ازدواج با آنها دارند (Oppenheimer, 1988: 578). پکر نیز با انجام همین مطالعه نشان می‌دهد که نسبت درآمد زن و مرد نیز بر منحنی‌های پیشنهاد ازدواج زن تأثیر می‌گذارد. وی ادعا می‌کند که افزایش درآمد زن و مرد، درآمد حاصل از تقسیم جنسی از کار را کاهش می‌دهد؛ به طوری که ارزش انتخاب‌ها و به طور کلی ازدواج کاهش می‌یابد (Becker, 1981: 248).

در همین راستا، گلدشیدر به جایگزین‌هایی که در انتخاب همسر تأثیرگذار است اشاره کرده و بر این باور است که جایگزینی برخی رفتارها که در دسترس زنان و مردان قرار گرفته عوامل منحنی ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گلدشیدر بر این باور است که «فردی که به صورت مجرد زندگی می‌کند، درآمد حاصل از بسیاری از فعالیت‌هایی که منجر به تولید مشترک و مصرف مشترک در زندگی زناشویی می‌شود

را از دست می‌دهد. در واقع، برخی از این تلفات توسط جامعه - به طور مثال از طریق ارائه خدمات روزانه - جبران شده و جایگزینی برای ازدواج، قرار می‌گیرد. همانطور که میزان هزینه و دسترسی به این جایگزین‌ها متفاوت است، منحنی پیشنهادها برای ازدواج زنان با مردان و یا مردان با زنان نیز تغییر خواهد کرد. در نهایت، از آنجا که مسئولیت‌های فرزندپروری توانایی بسیاری از زنان را در انجام کار مستقل محدود می‌کند، شاهد تغییرات در اولویت انتخاب‌ها بر منحنی‌های پیشنهاد ازدواج نیز هستیم» (Goldscheider and Waite, 1986: 91-109).

روت میلیکان (۱۹۷۶) نیز با تأکید بر این نکته که هنجارهای اجتماعی همچنان زنان را در محیط‌های اجتماعی محدود می‌کند، نشان داد که این محدودیت‌ها توانسته است نگرش مردان را نسبت به ازدواج با زنان تغییر دهد. میلیکان دریافت به میزانی که در محل کار برای زنان ارزش مراقبت روزانه و مزایای کار از سوی کارفرمایان پرداخت می‌شود، به همان میزان انتخاب آنها از سوی مردان نیز تغییر کرده است. وی اشاره می‌کند که با پایان جنگ و بازگشت مردان، نگاه آنها به مقوله انتخاب همسر نیز تغییر کرد. مسئولیت بزهکاری نوجوانان پای مادران نوشته شد و مشاغل خاصی از زنانگی توسط بسیاری از شرکت‌ها حذف گردید. شرکت‌ها امکانات روزانه را قطع و دوباره از استخدام زنان برای مشاغل خاص خودداری کردند. مردان در حالی دست به انتخاب زنان زدند که زنان را بیش آنکه به عنوان زنان صنعتی تلقی کنند، به عنوان مادر و زنان خانه‌دار تمام وقت در نظر می‌گرفتند. طبیعی بود که بسیاری از زنان کار خود را ترک کنند و خودشان را به عنوان کسانی که ایجادکننده «خانواده خوشبخت»، هستند، لقب دهند (McCaffery, 1997:77).

با این حال، برخی از فمینیست‌ها مانند میشل بارت امیدوار بودند که در نگرش‌های مردانه تغییرات اساسی به وجود آمده است؛ زیرا خانواده سنتی پدرسالاری «مردان را از دسترسی معقول به فرزندان خود و سازوکاری برای یک انتخاب خوب» محروم کرده است (Barrett, 1980: 217). در همین راستا، جولی ماتایی در پژوهشی نشان داد که «ازدواج از یک روابط مکمل براساس یک نگاه مردانه و زنانه تبدیل به یک امر اجتماعی شده که بیش از آنکه مبتنی بر نوعی روابط در هم تنیده باشد بر نوع جدیدی از شخصیت و نگاه فردی بنا شده است» (Matthaei, 1980:325).

برخی نیز بر مسئله مهاجرت تأکید کرده و معتقدند «میزان مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت بسیار کمتر از دوره جدید بوده است، والدین غالباً تنها در محدوده جغرافیایی شهر یا روستای محل تولد و زندگی خود برای فرزندان‌شان همسر انتخاب می‌کرده‌اند و به این ترتیب میزان ازدواج افراد جوان نسل اول با هم‌ولایتی‌های خود قابل ملاحظه بوده است. اما از آنجا که افراد نسل دوم به دلیل رواج بیشتر مهاجرت و

جابه‌جایی از محل اولیه زندگی دور شده‌اند، امکان انتخاب همسر در خارج از شهر و دیار خود را نیز داشته‌اند» (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

همچنین مطالعات نشان داده است که در دو دهه اخیر سنتها، آداب و رسوم، معیارها، ایده‌ها، و ایده‌آل‌های مورد قبول گروه‌های اجتماعی ویژه و نه سنت‌های هنجارین پیشین بر فرایند انتخاب همسر تأثیرگذار بوده‌اند. به گونه‌ای که در دوران قبل «هم سرگزینی به شدت تحت فشار اجتماعی بود. انتخاب همسر نه براساس میل و علاقه دو طرف به ازدواج، بلکه به دلیل جبر اجتماعی صورت می‌گرفت. جامعه‌ای که در آن فردیت مطرح نبود، علائق فردی نیز ارزشی نداشتند. تنها راه ارتقاء پایگاه اجتماعی، ازدواج بود هر چند که زن متأهل معمولاً تحت سلطه مادر شوهر بود و شوهر نیز بر روی او اعمال قدرت می‌کرد، اما به تدریج با انتقال اقتدار شوهر به زن در حیطه‌های خاص، زن تبدیل به فرد فرمان دهنده و پس از فوت مادرشوهر، به بالاترین مقام خانه می‌رسید. به این ترتیب برای دختران، ازدواج تنها امکان کسب یک نقش اجتماعی قابل قبول جامعه بود» (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۳).

با وجود این، در مجموع مطالعاتی که تاکنون در ایران انجام شده است بیشتر به موضوعاتی نظیر معیارهای هم سرگزینی، عوامل مؤثر بر معیارهای هم سرگزینی، آرمان‌های زوجیت و هم سرگزینی، تأثیر معیارهای هم سرگزینی بر رضایت از زندگی خانوادگی، شیوه‌های هم سرگزینی جوانان و یافتن الگوهای کارآمدتر، نظریه‌های هم سرگزینی و در نهایت منشأ شکل‌گیری معیارهای هم سرگزینی اختصاص یافته و کمتر به آسیب‌های انتخاب همسر پرداخته شده است. به طور مثال ایمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان شیوه‌های شناخت و انتخاب همسر بر اهمیت شناخت و عوامل مؤثر در شناخت، روش‌های شناخت فرد مورد نظر، اهمیت مراسم خواستگاری، بررسی عملکردهای گذشته فرد، ضرورت انجام تحقیق، مشاوره ژنتیک، واقع‌نگری در انتخاب همسر، عشق نابه‌هنگام و ... تأکید کرده است. حسین خانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله ساخت و اعتباریابی مقیاس انتخاب همسر از دیدگاه اسلام به سنجش میزان معیارهای هم سرگزینی در میان داوطلبان ازدواج از نگاه اسلام پرداخته‌اند. رجبی و همکارانش (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان مقایسه و رتبه‌بندی ترجیحات هم سرگزینی در بین گروهی از دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کرد، عرب و بختیاری دانشگاه شهید چمران اهواز تلاش کرده‌اند به اولویت‌ها در هم سرگزینی دست یابند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش نشان داده است که بین میانگین ترجیحات هم سرگزینی دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که بالاترین میانگین‌ها متعلق به عامل ویژگی‌های رفتاری، مذهبی و مهارت‌های اجتماعی و کمترین مربوط به عامل مهارت‌های خانه‌داری می‌باشد. در نهایت، اسماعیلی و همکارانش (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان مطالعه کمی و کیفی نقش مهاجرین کاری بر تنوع هم سرگزینی شهر مبارکه اقدام به شناسایی نقش اثر گذار و تاثیرپذیر مهاجرین کاری بر تنوع هم سرگزینی در شهر مبارکه کرده‌اند.

با این حال، هدف از انجام این پژوهش کشف و شناسایی آسیب‌های ناظر به انتخاب همسر در شهر اصفهان با رویکرد کیفی است. در واقع، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که اساساً از نگاه جامعه درگیر آسیب‌های ناظر به انتخاب همسر در شهر اصفهان کدام است و آنها چه تفسیری از این آسیب‌ها ارائه می‌کنند.

### روش

روش در این پژوهش، کیفی است و یافته‌ها با رویکرد تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از تکنیک مصاحبه نیم ساخت یافته استفاده شده است. به همین منظور ۲۰ نفر از افراد جامعه درگیر شامل ۷ دختر مجرد ۳۰ تا ۳۵ سال، ۷ پسر مجرد ۳۰ تا ۳۵ سال و ۶ کارشناس مسائل ازدواج و خانواده با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با آنها مصاحبه شد. ملاک تعیین این افراد توجه به وضعیت جنسیتی، بودن در فضای مسئله و برجسته بودن نگاه کارشناسان در زمینه موضوع پژوهش بود. از میان منتخبین دختر یک نفر با مدرک کارشناسی پرستاری، یک نفر کارشناسی ارشد فلسفه، یک نفر دانشجوی دکترای الهیات و معارف اسلامی، دو نفر طلبه حوزه علمیه و دو نفر از مشاغل آزاد بودند. از میان پسران سه نفر طلبه حوزه‌های علمیه، دو نفر با مدرک کارشناسی و دو نفر دارای شغل آزاد بودند. همچنین کارشناسان نیز ۲ نفر دارای مدرک دکترای روانشناسی و از مشاوران کلینک‌های تخصصی روانشناسی اصفهان و ۲ نفر جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان و دو نفر روحانی/ مشاوره مذهبی شاغل در نمایندگی مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان بودند. تجزیه و تحلیل مضامین در ۷ گام انجام شد.

جدول ۱: گام‌های تحلیل مضامین

گام	اقدام
اول	پیاپی‌سازی مصاحبه‌ها
دوم	بازخوانی مکرر داده‌ها
سوم	ایجاد و تولید کدهای اولیه
چهارم	مرتب کردن کدهای اولیه در قالب کدهای گزینشی
پنجم	شکل دادن به تم‌های فرعی
	بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده اعتبارسنجی تم‌های فرعی در رابطه با مجموعه داده‌ها
ششم	تعریف و نامگذاری تم‌ها: به این معنا که ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند تعیین شده و مشخص می‌شود که هر تم اصلی کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد.
هفتم	تدوین گزارش نهایی: در این گزارش ارتباط منطقی موجود در داده‌ها به گونه‌ای بیان می‌شود که مخاطب درباره آنچه به نوعی از سوی پژوهشگر برای تفسیر و تبیین مسئله پژوهش مکشوف و ارائه شده متقاعد شده و به صلاحیت اطلاعات پی می‌برد.

## یافته‌ها

## کشف تم‌های فرعی

در این مرحله و براساس فرایند تحلیل متن در روش تحلیل مضمون، محققان به ۲۲ تم فرعی دست یافتند. از جمله تم‌های فرعی که از اهمیت زیادی برخوردار بود، حذف «راوی سنتی» و جایگزین شدن «شبکه اجتماعی» به عنوان «راوی جدید» در انتخاب‌هاست. در کدهای اولیه بسیاری دیده شد که فقدان راوی در فضای ازدواج در اصفهان باعث شده است که تعاملات خانواده‌ها در این حوزه کم و درصد ازدواج‌ها بسیار پایین باشد. در عوض شبکه‌های اجتماعی که دختر و پسر بدون هیچ شناخت واقعی از هم به تعامل می‌پردازند و به‌ضماً تصمیم به ازدواج می‌گیرند، تبدیل به یک راوی جدید در ازدواج‌ها شده است. این راوی جدید از آنجا که نمی‌تواند فضای شناخت واقعی طرف‌ها را از یکدیگر فراهم کند، موجب آسیب‌های زیادی به این حوزه شده و انتخاب‌هایی که به این شکل انجام می‌گیرد را سوق به طلاق داده است. تم‌های فرعی دیگری نیز به همین شکل در یک رفت و برگشت و همه‌جانبه بین کدها و محققان شکل گرفت.

## جدول ۲: تم‌های فرعی

ردیف	تم‌های فرعی
۱	مهمترین معیارهای انتخاب همسر در اصفهان اقتصادی است
۲	ارتقاء موقعیت اجتماعی معیار مهم انتخاب همسر است.
۳	ارزش‌های مذهبی در انتخاب همسر کم رنگ شده است
۴	تضاد خرده فرهنگ‌ها در اصفهان زیاد است.
۵	ترس جوانان از مهریه‌های سنگین هر روز بیشتر می‌شود.
۶	در انتخاب‌ها نگاه‌های معامله‌گری رشد کرده است
۷	شبکه‌های اجتماعی راوی جدید در اصفهان هستند.
۸	رشد آشنایی‌هایی خارج از خانه، دختر و پسر را به سمت انتخاب‌های سریع سوق داده است.
۹	ازدواج در بین جوانان غالباً به خاطر جبران کمبودهای مادی و اقتصادی است.
۱۰	تمایل پسران برای انتخاب دختر از خانواده فقیر کاهش یافته است.
۱۱	نرخ دختران شاغل در اصفهان افزایش یافته و انتخاب‌ها را دیررس و اقتصادی‌تر کرده است.
۱۲	انتخاب‌ها از سر استیصال و افسردگی است.
۱۳	نرخ طلاق به دلیل انتخاب‌های نامعقول در اصفهان رشد صعودی داشته است.
۱۴	جنبه‌های سنت دینی در انتخاب همسر در شهر اصفهان از دست رفته است.
۱۵	سنت وجود راوی در انتخاب همسر بین خانواده‌ها از بین رفته است.
۱۶	انتخاب‌ها در اصفهان، مدرن اما ازدواج‌ها هنوز سنتی است.
۱۷	سازوکاری برای انتخاب همسر در این شهر وجود ندارد.

۱۸	فضای انتخاب در اصفهان تصنعی شده است.
۱۹	با رشد انتخاب‌های عاشقانه مواجه‌ایم.
۲۰	جوانان در انتخابشان کمتر به ارزش‌های دینی توجه دارند.
۲۱	ازدواج برای فرار از خانه انجام می‌شود.
۲۲	عدم وجود سیستم مناسب انتخاب همسر

### ۱. تم‌های اصلی

در این مرحله محققان پس از رفت و برگشت در میان تم‌های فرعی به ۷ تم اصلی دست یافتند که به نظر می‌رسد از وجه جامعیت معنایی برخوردار بوده و در زمینه مورد نظر تحقیق قابل تبیین بوده و کاربریست اساسی خواهند داشت. در ادامه تلاش می‌شود با توجه به زمینه‌های موجود در متن مصاحبه‌ها و همچنین نظریه‌های موجود در حوزه همسرگزینی گزارشی از مضامین اصلی یافته‌شده ارائه شود.

#### جدول ۳: تم‌های اصلی

ردیف	تم‌های اصلی
۱	اقتصادی‌اندیشی در انتخاب‌ها
۲	کم‌رنگ‌شدن معیارهای دینی و اخلاقی
۳	ازدواج برای کسب و ارتقاء موقعیت‌های اجتماعی
۴	رشد انتخاب‌های سریع و عاشقانه
۵	تضاد انتخاب مدرن و ازدواج سنتی
۶	فقدان سیستم و ساختاری هماهنگ‌کننده
۷	افول قدرت خانواده در انتخاب‌ها

### ۱-۲. اقتصادی‌اندیشی در انتخاب‌ها

از نخستین تم‌های اصلی در این پژوهش که به عنوان آسیب جدی در امر همسرگزینی می‌توان از نام برد اقتصادی‌اندیشی در انتخاب‌ها برای انتخاب همسر است. به طور کلی، وضعیت اقتصادی و ابعاد مرتبط با آن در همه جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و بازسازی بدنه اصلی ساختارها و پایه‌های نهادهای اجتماعی نظیر خانواده دارد. مارکس بر این باور بود که ساختارهای اقتصادی نقش تعیین‌کننده در افراد یک جامعه داشته و اساساً طبقات اجتماعی را نیز براساس مدل‌های اقتصادی مسلط، طبقه‌بندی می‌کرد. از سوی دیگر آنچه مهمتر از مسئله اقتصاد است، معیارهایی است که ناظر به وضعیت معیشت بوده و در فرایند ارزیابی دیگران توسط افراد جامعه واجد تحولی اساسی می‌شود و بر ساخت‌های زندگی انسانی تأثیر بنیادین دارد.

با مروری بر ایده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها می‌توان رد چنین تحولی را در امر همسرگزینی به عنوان یک آسیب برجسته ساخت. کارشناسی بر این باور بود که: «نگاه به ازدواج نظیر گذشته نیست. اساس انتخاب همسر در گذشته بر تقویت ذهن جوان نسبت به این مسئله بود که تو باید روی پای خودت بایستی و خودت زحمت بکشی تا به جایی در زندگی برسی اما امروز جوان از خانواده خودش که هیچ از خانواده همسر آینده نیز این توقع را دارد که دیگران او را تأمین کنند». کارشناس دیگری بر این باور بود که: «امروز مردم از یکدیگر متوقع شده‌اند. اگر کسی به لحاظ اقتصادی در شأن آنها بود با او وصلت کرده و بسیار هم به دنبال این هستند که خودشان را با دیگران از نظر اقتصادی بالا بکشند. این دقیقاً انتخاب همسر را وارد یک مرحله به نام معامله اقتصادی کرده است».

از این گفتارها می‌توان نتیجه گرفت که مهمترین عامل در ایجاد چنین نگاهی، شناخت و تغییر ذهنی مردم در مواجهه با انتخاب همسر است. در واقع، این تغییرات سطح ذهنی مردم را نسبت به نقش اول اقتصاد در حل مشکلات حساس کرده و توقعات آنها را در ایجاد وضعیتی بهتر برای فرزندانشان بواسطه نگاه به درآمد دیگری، بالا برده است. به همین ترتیب، دیدگاه آنها را در انتخاب نوع طبقه اجتماعی هم سطح و هم شأن برای وصلت کردن و ورود به فرایند همسرگزینی حساس و در برخی موارد به عنوان یک اصل قرار داده است. به همین ترتیب کارشناسان و همچنین پسران دم بخت علی‌رغم پذیرفتن و قبول مسئولیت‌های مسائل مالی و اقتصادی در فرایند همسرگزینی معتقد بودند: «بیش از نیمی از خانواده‌های دخترانی که به خواستگاری‌شان رفته‌اند توقعاتی بیش از آنچه در دستورات دینی و یا عرف جامعه رایج بوده است از آنها انتظار داشته‌اند». در واقع، رکورد اقتصادی خانواده‌ها را در ابراز خواسته‌هایشان از خانواده پسر که در اصفهان متکفل بحث‌های مالی است توانمندتر کرده است.

کارشناسی معتقد بود: «این خواسته‌ها به ویژه در خانواده‌هایی که تجربه کمتری در حوزه مسائل مالی، و رفاه نداشته‌اند، رنگ و بوی اقتصادی بیشتری دارد. در این گونه موارد اساساً نمی‌توان شاهد همسان‌همسری و شرایط یکسان در ازدواج بود. در حقیقت خانواده‌ای که توان مالی چندانی ندارد اما در عین حال خواهان ارضای خواسته‌هایی بیش از توان مالی خویش است، خلاف ایده همسان‌همسری رفتار می‌کند». بدین ترتیب، نتیجه تأثیر چنین نگرشی این است که «ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتد، گونه‌ای از تشریفات و عرف‌های هنجارشکن جایگزین شیوه‌های سنتی و رایج در امر همسرگزینی شده و در نهایت نگاه طبقاتی و اقتصادی است که مسلط بر تصمیم‌گیری‌ها می‌شود و نه ارزش‌های دینی».

کارشناس دیگری به گونه‌ای دیگر، تحلیل بالا را توضیح می‌داد با این گزاره که «توجه داشته باشیم که جبران ضعف اقتصادی و اجتماعی با توجه به انتخاب همسر در حال وقوع است. با در نظر گرفتن نگاه مبادله‌ای در حقیقت دختر یا پسر و در بسیاری از موارد خانواده‌های آنها تلاش می‌کنند هزینه‌هایی را

متحمل شوند که پاداش، سود و یا منفعتی را برای آنها به همراه دارد. با این فرض هر کدام از افراد درگیر این رابطه مبادله‌ای شده و انتظار دارد در برابر آنچه هزینه می‌کند براساس هنجارهای که در عرف جامعه پذیرفته شده است، پاداشی متعادل از جانب دیگری دریافت کند. بر این اساس؛ همسری را انتخاب می‌کند که به لحاظ اقتصادی از جایگاه متمایزی نسبت به وضعیت دیگری برخوردار بوده و با مبادله‌ای که انجام می‌دهد (به طور مثال زیبایی و صورت ظاهری در مقابل پول) نواقص مالی مربوط به گذشته را جبران کند».

## ۲-۲. کم‌رنگ‌شدن معیارهای دینی و اخلاقی

انتخاب همسر متأثر از فرایندهای متنوعی از معیارها است که برگرفته از سنت‌های دینی و اجتماعی، آداب و رسوم، ایده‌ها و رفتارهای مورد قبول گروه یا جامعه‌ای خاص بوده و انسان‌ها در میان آنها زندگی می‌کنند. این معیارها با توجه به رشدی که انسان‌ها به لحاظ جسمی، عقلی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی پیدا می‌کنند پرننگ و در برخی موارد کم‌رنگ می‌شوند. پسران و دختران طلبه مجرد معتقد بودند: «در شهر اصفهان اولویت‌های انتخاب همسر، اولویت‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی نیست. وقتی به خواستگاری ما می‌آیند و ما می‌گوییم طلبه هستیم یا خواستگاری می‌رویم و می‌گوییم طلبه هستیم، نوعی واگرایی به ما دارند انگار که ما از عالم دیگری آمده‌ایم»، «معیار دهه شصتی‌ها که ما باشیم برای انتخاب همسر ایمان و کمال‌گرایی و رسیدن به خدا به واسطه ازدواج بود در حالی که امروزه و به خصوص خانواده‌ها و جوانان دهه هفتادی و اوایل هشتادی‌شان به ارزش‌های اخلاقی اهمیت نمی‌دهند». «نگاه‌های ارزشی در معیارهای انتخاب همسر در بین جوانان نه تنها ضعیف‌تر شده بلکه از سان خیال می‌کند ازدواج دیگر یک امر تقدیس شده از سوی دین نیست». «تمام ارزش‌هایی که شما می‌توانستی در ازدواج و برآمده از ازدواج تصور کنی امروزه در بین جوانان هم‌سن ما یا کوچکتر بسیار ضعیف‌تر از سابق شده است».

از گفتارهای بالا مشخص می‌شود که بخشی از معانی قابل‌الصاق به رفتارهای مربوط به همسرگزینی، ناظر به رخت بر بستن نگاه‌های دینی در این امر است؛ به این معنا که افراد با نوع نگاهی که به مسئله همسرگزینی دارند در صدد معرفی جدانگاری این عمل از هویت دینی شان و یا واکنش به الگوهایی هستند که سنت دینی به آنها معرفی و در برخی موارد تحمیل کرده است. با وجود این، کارشناسان می‌گفتند از یک سو «خانواده‌ها بیشتر از ملاک‌های ایمانی به مسائل مادی اهمیت می‌دهند»، «رسانه‌ها مروج نوعی از نگاه مادی‌گری و سطحی‌نگری برای انتخاب همسر هستند» و «مذهبی‌گری به معنای عامی‌گری برای انتخاب همسر در اصفهان مشکل ایجاد کرده و نگاه به دین نیز سطحی شده است». در حقیقت «بیش از آنکه

شعور دینی در بین جوانان برای انتخاب همسر آینده وجود داشته باشد، عملاً مسئله ازدواج برای آنها تبدیل به یک شور فاقد دین و مذهب شده است.»

به طور کلی، این گفتارها بر ساخت‌کننده آن است که اولاً نگاه رفاه‌طلبی فاقد پشتوانه مذهبی در انتخاب همسر تأثیرگذار بوده است. ثانیاً آنچه به عنوان ابزار برای تمایل و گرایش و ذهنیت مردم به جنبه‌های مادی در امر ازدواج شده است، رسانه‌ها هستند. در حقیقت، رسانه‌ها نقش اساسی در ایجاد نگرش سکولار داشته و تفسیر افراد از زندگی روزمره را در قالبی خاص پیشنهاد می‌دهند. در هر صورت از نگاه طلبه‌های دختر و پسر ضعف در ارائه مبانی دینی مربوط به معیارهای انتخاب همسر، عدم ارائه تفسیر و برداشت دقیق از آنچه در روایات درباره انتخاب همسر وجود دارد و در نهایت فقدان و کمبود معیارهای معنوی و اخلاقی در انتخاب همسر سه عامل اساسی است که موجب شیوع نگرش سکولار در امر همسرگزینی در این شهر شده است.

### ۳-۲. ازدواج برای کسب و ارتقاء موقعیت‌های اجتماعی

از دیگر تم‌های اصلی که از داده‌های موجود استخراج گردید، رشد کسب و ارتقاء موقعیت اجتماعی در بین جوانان و ارتباط آن با همسرگزینی بود. در واقع، «موقعیت اجتماعی اعطای مقامی در سلسله مراتب کیفی کل جامعه به هر فرد به استناد مجموع ارزیابی‌ها از هر یک از پایگاه‌هایی است که احراز کرده و همچنین پاداش‌هایی است که از هر یک از آن‌ها عایدش شده است» (کوزر، ۱۳۷۳: ۴۵). با همین نگاه، کارشناسی (جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی) معتقد بود که: «جوانان امروزه بیشتر از آنکه به دنبال انتخاب هم‌کفو خودشان باشند، به عنوان کسب موقعیت اجتماعی و یا ارتقاء آن توسط دیگری هستند». کارشناس دیگری می‌گفت: «موقعیت‌ها را می‌توان با یک انتخاب به دست آورد. اما از سوی دیگر مهمترین آسیب‌ها را به فرد در جریان زندگی خواهند زد.» با این حال، یکی از روش‌های اصلی برای توزیع افراد جامعه در موقعیت‌های اجتماعی موجود، ارزش‌گذاری بر اساس موقعیت‌ها است. بدین معنا که «موقعیت‌ها برحسب اهمیت رتبه‌بندی می‌شوند. احراز موقعیت یا رتبه خاص اجتماعی، احراز کننده را از دریافت پاداش و حیثیت خاص اجتماعی برخوردار می‌سازد. بنابراین تفکیک اجتماعی که سازمان اجتماعی طبعاً به آن نیازمند است، ضرورتاً با ارزشیابی موقعیت‌های اجتماعی همراه است» (ادیبی، ۱۳۵۴: ۳).

دختر مجردی بر اساس چنین نگاهی معتقد بود: «جوانان بر اساس موقعیت تحصیلی و یا کاری با هم آشنا می‌شوند. اینکه به طور مثال من اگر پرستار هستم در موقعیت کاری خودم به دنبال کسی باشم که موقعیت خودم را داشته باشد نه آنکه از من پایین‌تر باشد. به نظر من موقعیت اجتماعی «دیگری» برای جوان امروزی به یک امر ضروری در انتخاب همسر تبدیل شده است.» در بازگشت به برخی از کدها

نظیر «طمع به طرف مقابل و امکانات او پیدا شده است»، «اشتغال زنان در نوع انتخاب مردان تاثیر گذاشته است»، «خانواده‌های اصفهانی تأکید بر شغل و تحصیلات خانواده داماد و یا عروس دارند»، «معیارهای ظاهری دختران بیش از پیش اهمیت یافته است» و «مهریه‌های سنگین صرفاً برای این است که خانواده فهمیده‌اند که موقعیت و جایگاه در جامعه دارند»، می‌توان گفت موقعیت اجتماعی در نگاه جوانان اصفهانی در پاره‌ای موارد تبدیل به یک نگاه «تک‌عاملی» برای تصاحب صرف دختران یا پسران در یک بازه زمانی مشخص است. این تصاحب که نه از روی علاقه بلکه برای کسب موقعیت است، در واقع آنها را به لحاظ اجتماعی ارتقاء داده و صاحب قدرت می‌کند.

با وجود این، برخی کارشناسان بر این باور بودند که «دخترانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند به دنبال کسب طبقه و پایگاه اجتماعی بهتری هستند و این طبقه یا پایگاه را در پیوند با یک پسر تحصیل کرده پولدار ارتقاء می‌بخشند». در حقیقت نگاه به امکانات موجود در زندگی دیگران، توجه به اشتغال زن، مهریه سنگین، مسائل مادی و در نهایت معیارهای ظاهری نظیر زیبایی برجسته‌کننده همان نگاه تک‌عاملی است. مهریه‌ای که در نگاه سنتی نشانه مهر و محبت زوجین به یکدیگر بود، اکنون تبدیل به ابزاری برای «هویت‌بخشی برتر» به افراد در جامعه شده است. بنابراین؛ جوانانی که به واسطه به دنیا آمدن در خانواده‌هایی در طبقات پایین اجتماع، محروم بوده‌اند اکنون ازدواج را تنها مسیر میان‌بر برای رهایی از این طبقه و پیوستن به طبقات بالاتر می‌دانند.

#### ۴-۲. رشد انتخاب‌های سریع و عاشقانه

کدهایی همچون «این نسل مانند بچه‌های دهه شصت اهل تفکر و تحلیل و بعضاً آرمان‌گرایی‌های افراطی نیست، بنابراین؛ زود می‌تواند طرف خود را انتخاب کند» و «جوانان الان بسیار عمل‌گرا هستند و در رابطه‌ها سریع به دنبال نتیجه و در نهایت ازدواج هستند»، تأییدکننده‌ای برای این تم هستند. این تم نشان می‌دهد که از یک سو بر سرعت در انتخاب‌ها که نشان از فقدان آگاهی نسبت به خلیقات و وضعیت خانوادگی و اجتماعی طرف مقابل دارد افزوده شده و از سوی دیگر فرایند احساسی برخورد کردن در حال تجربه‌ای فزاینده است. با این حال، کدهای پر تکراری از مصاحبه‌ها نشان از هیجان‌زدگی و شتاب در نوع انتخاب‌ها داشت. کارشناسان (جامعه‌شناس و روانشناس) دلیل این امر را «ویژگی‌های خاص نسل کنونی (دختران و پسران دهه هفتادی) که اکنون به مرحله ازدواج رسیده‌اند» می‌دانستند.

از سوی دیگر گفتارهایی همچون «جوانان به محض ملاقات با یک دختر و بدون اطلاع از خانواده وارد عمل می‌شوند»، «از بس شرایط برای ارتباط راحت شده، سریع بین دختر و پسر علقه ایجاد می‌شود و حتی در برخی مواقع خودشان اقدام می‌کنند»، «جوان‌ها امروز می‌گویند کی گفته که باید اول شناخت

داشت و بعداً انتخاب کرد، همین که آدم عاشق بشه کافیه» دلالت صریح و آشکار بر روند «همسرگزینی شخصی شده یا خودخواسته» دارند. منظور از شخصی شدن امر همسرگزینی، این است که «جوان علی‌رغم وابستگی‌های خانوادگی، طبقه‌ای، دینی و اخلاقی تلاش می‌کند در راستای آنچه تصمیم خود او است و در تراز فکری‌اش جای گرفته است، اقدام به انتخاب نماید».

با این حال، از گفتارها می‌توان نتیجه گرفت که اساساً سه عامل برای اقدام عجولانه برای انتخاب همسر در اصفهان وجود داشته است. عامل اول وجود هیجانات منفی در نسل جوان بود. کارشناسی در این باره می‌گفت: «عامل تصمیمات هیجانی عموماً فردی است. انسان با مجموعه احساسات و هیجانات مختلف مثل غم، ترس، خشم و اضطراب و شادی در طول زندگی خود رو به رو می‌شود و چنان چه این هیجانات و احساسات را به خوبی کنترل کند، می‌تواند زندگی و روابط فردی و اجتماعی سالم‌تری داشته باشد و این هیجان نامعقول متأسفانه در بسیاری از انتخاب‌های جوانان امروز ما وجود دارد». یکی از خانم‌های طلبه مجرد معتقد بود: «بخشی از دوستان طلبه من هستند که براساس همین تصمیمات هیجانی از سنخ منفی آن برای انتخاب همسر، عجولانه و یا عاشقانه و بدون اساس و مبنای درستی اقدام کرده و اتفاقاً ما را مزمت می‌کنند که چرا شما مثل ما تصمیم نمی‌گیرید».

عامل دیگر رهایی از برخی اختلافات و تعارضات بود. در این رابطه یکی از کارشناسان تأکید داشت که «برخی از جوانان به خاطر شرایط بد زندگی، فرار از خانه، مشکلات و ناسازگاری‌هایی که بین والدین‌شان وجود دارد و یا عدم ناسازگاری خودشان با والدینشان و نیز تجربه شرایط جدید است که تن به ازدواج‌های سریع، مصلحتی و صرفاً عاشقانه داده و به دور از معیارهایی که برای ازدواج وجود دارد، اقدام به امر ازدواج می‌کنند. انتخاب در چنین شرایطی انتخابی بی‌هدف و بی‌سامان بوده که امکان اشتباه کردن در آن حتمی و قطعی و چند برابر است و احتمال دارد فرد به واسطه آن انتخاب ناآگاهانه و ضرب‌العجل با بسیاری از مصائب و مشکلات جبران‌ناپذیر مواجه شود».

عامل سوم رشد روابط بین‌فردی بین جوانان دختر و پسر است که در چند ساله اخیر بسیار افزایش یافته است. «در ملاقات‌های اتفاقی نیز این احتمال وجود دارد که امری اجتماعی موجب فعال کردن روابط بین‌فردی شود. همچنین، روابط اجتماعی همیشگی مستقیم نیست؛ این روابط می‌تواند غیر مستقیم یا با واسطه باشد. یعنی از طریق رسانه‌های جمعی همچون فیلم و تلویزیون صورت گیرد» (فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۳۲). ناظر به دیدگاه اخیر، کارشناسان تأکید داشتند که امروزه «ضریب نفوذ و سایل ارتباط جمعی بسیار افزایش یافته و نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباط افراد با یکدیگر آن هم به شیوه‌های گوناگون به دست آورده است». کارشناسان می‌گفتند: «رسانه‌ها بر سه ساحت و حوزه انسانی که به طور مستقیم با انتخاب و فرایند همسرگزینی ارتباط دارد تأثیرگذار بوده‌اند. نخست اینکه رسانه جدید موجب تغییرات

اساسی در شیوه زندگی مردم شده‌اند. دوم آنکه روابط خانواده‌ها با یکدیگر را تضعیف کرده است. سوم اینکه به شیوه‌های سنتی انتخاب همسر آسیب زده است».

دختران و پسران مصاحبه‌شونده همگی معتقد بودند: «نسل امروزی راحت‌تر با جنس مخالف وارد ارتباط شده، هنجارهای دینی را به سادگی زیر پا گذاشته و بدون هیچ ترس و استرس مذهبی با نامحرم ارتباط برقرار می‌کند». کارشناسی معتقد بود «اینگونه روابط علی‌رغم اینکه مخالف با دین و هنجارهای سنتی و اجتماعی است به دلیل عواطفی که میان دو طرف رد و بدل می‌شود، احساس بدی را در آنها برای تشکیل زندگی در آینده ایجاد می‌کند. این روابط موجب می‌شود که طرفین در دسترس یکدیگر بوده و تعهد و مسئولیت و پابندی به ارزش‌های دینی جای خود را به یک نگاه هرزه‌گونه و صرفاً عاشقانه محض در ازدواج بدهد. همچنین، روابط بدون قاعده‌ای که پیش از ازدواج بین جوانان ایجاد شده است، بستر و فرصت یک انتخاب درست و مناسب را از آنها گرفته است».

#### ۵-۲. تضاد انتخاب مدرن و ازدواج سنتی

زمانی که از واژه‌های «مدرن» و «سنتی» سخن به میان می‌آید، گفتگو درباره تقابل دو مفهومی است که هر دو بر یکدیگر تاخته‌اند. درحقیقت، شرایط جدید شیوه‌ای از زندگی را معرفی می‌کند که کاملاً متفاوت از گذشته بوده و به نوعی برخی از ایده‌ها، افکار، کنش‌ها و اهداف حقیقت جهان اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. با این حال، مدرنیته با بسط سه مسئله مهم یعنی رشد عقلانیت ابزاری معطوف به هدف، رشد فردگرایی، اختیار و آزادی کامل انسانی و پولی کردن ارزش‌ها در جامعه در این چرخش فکری، تحول نگرشی و نقد تجربه‌های اجتماعی از پیش موجود نقش اساسی ایفا کرده است (رک: شایان مهر، ۱۳۷۷: ۳۹۷، همچنین فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۲۴۵). کارشناسان تأکید داشتند «شرایط موجود، جوان را به سمتی سوق داده که ابزار پیرامون خودش را برای تحقق نگاه فردگرایانه‌اش به کار می‌گیرد. در این بین رسانه‌ها با ترویج استقلال شخصی و اینکه فرد مجزای از خانواده می‌تواند برای ورود به یک تصمیم بزرگ مستقلاً عمل کند، به رشد روحیه فردگرایی در نسل جوان در امر همسرگزینی کمک کرده‌اند».

کارشناسان می‌گفتند: «پیش از این، ازدواج‌های سنتی توسط خانواده‌ها تنظیم می‌شدند و ازدواج پیوندی براساس قراردادهای میان دو خانواده بود و چارچوب مشخصی داشت. اما در ازدواج‌های امروزی جوان‌ها برای انتخاب همسر به خودشان حق می‌دهند که آزادانه عمل کنند و همسرشان را بر مبنای ملاک‌های مورد نظرشان انتخاب کنند». «بسیار مشاهده می‌شود که نوعی ناهمخوانی و ناسازگاری نیز بین اندیشه سنتی حاکم بر خانواده‌ها درباره ازدواج و انتخابی که جوانان به شیوه‌های مدرن انجام می‌دهند وجود دارد. به این معنا که انتخاب همسر مدرن شده است اما همچنان شیوه‌های سنتی در زمره اولین

اقدامات برای انتخاب همسر است». دختران و پسران مصاحبه شده می‌گفتند: «این تعارض و تضاد جوانان و به‌ویژه ما دختران را در انتخاب‌ها تنوع طلب کرده، ذائقه‌هایمان را تغییر داده و در برخی مواقع سرخورده شده‌ایم». در همین راستا کارشناسی که تجربه کلینیکی ازدواج بالایی داشت تصریح می‌کرد «اگرچه بسیاری از جوانان متقاضی ازدواج مدرن هستند زیرا خود همسرشان را انتخاب می‌کنند، اما با این حال، تنوع فرهنگی، ضعف شناخت از یکدیگر و شناخت‌های صرفاً ظاهری و تکیه کردن به یک سری از معیارهای کمی باعث شده است ازدواج‌های مدرن در جامعه ما آسیب‌پذیر باشند».

با این حال کارشناسی با نگاه نقادانه می‌گفت: «البته بیش از همه، آنچه در اینجا آسیب‌زاست، سنتی و یا مدرن بودن انتخاب همسر در شهر اصفهان نیست؛ چرا که این دو روش در جایگاه خود می‌توانند منجر به شکل‌گیری خانواده‌های موفق شوند. مسئله‌ای که بیش از همه آسیب‌زا شده عدم تطابق شیوه‌های انتخاب همسر با فضای فرهنگی اصفهان است. امروزه جوانان به شیوه‌های مدرن همسر انتخاب می‌کنند، یعنی با استفاده از رسانه‌های جدید و یا در محل کار و تحصیل همسر آینده خود را انتخاب و موافقت او را با شیوه‌هایی نه چندان مناسب جلب می‌کنند. اما نکته اساسی در این جا این است که پس از این مرحله خانواده است که وارد این فضا می‌شود و می‌خواهد برای فرزند خود یک ازدواج سنتی طبق رسم و رسوم ویژه اصفهانی‌ها صورت دهد. از اینجا به بعد خانواده‌ها هستند که با سخت‌گیری‌های خاص خود با هم درگیر می‌شوند».

## ۶-۲. فقدان سیستم و ساختاری هماهنگ‌کننده

از آسیب‌های دیگری که در این پژوهش یافت شد، فقدان ساختار و سیستمی برای انتخاب همسر بود. کارشناسان و برخی از پسران تأکید می‌کردند که «امروزه جامعه نیازمند ساختار و سیستمی قانونی است که بتواند برای جوانان نقش دلال‌های قدیمی را ایفا کند. کارشناسی (جامعه‌شناس و آشنا به حوزه مسائل اجتماعی خانواده) بر این باور بود که «وظیفه برخی از نهادهای فرهنگی و حتی مذهبی است که گام‌های اساسی در تحقق چنین امری برای نسل جوان بردارند. این در حالی است که در مصوبه شماره ۱۳۳۴/دش | مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی که مربوط به اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن است، هیچ اشاره‌ای به این بحث نشده و این یک نقطه ضعف جدی در کل کشور است».

۱. اصطلاحی است که اصفهانی‌ها برای کسی که پسر یا دختری جهت ازدواج به آنها معرفی می‌کرد به کار می‌برند. گاهی اوقات این دلال پولی نیز دریافت می‌کرد و در فرایند امر همسرگزینی نیز قرار داشت.

مصاحبه شوندگان به سه علت اساسی برای لزوم تشکیل چنین ساختاری اشاره کرده‌اند. نخست «وجود روای جدید به جای روای سنتی است. پیش از این به دلیل هسته‌ای بودن خانواده و ارتباط تنگاتنگ قومی و طایفه‌ای آشنایی‌ها از طریق روایانی صورت می‌گرفت که در بطن خانواده‌ها وجود داشته و حتی وظیفه خود می‌دانستند که موجبات ازدواج پسرها و دخترها را فراهم کنند. با رشد دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی بخشی از ارتباطها محدود به چنین عرصه‌هایی شد و مجال برای ارتباط و آشنایی بیشتر جوانان برای ازدواج فراهم گردید. اما امروزه و به دلیل تغییر فضای ارتباطی، نه انسان‌ها و نه مؤسسات و دانشگاه‌ها ایفاگر نقش روای نیستند و یا از حدود رصدی آنها کاسته شده است». هم دختران و هم پسران مصاحبه شده در این مورد تأکید داشتند که «کف خیابان‌ها، پارک‌ها و شبکه‌های اجتماعی مرکز هم‌سریابی برای جوانان شده است. شبکه‌های اجتماعی ذائقه جوانان را در امر هم‌سرگزینی تغییر داده و شرایط سخت‌تری را پیش روی آنها و خانواده‌های‌شان قرار داده است».

دومین عامل برای لزوم چنین ساختاری، فقدان بلوغ در جوانان است. دختر خانم پرستاری می‌گفت: «چنین مراکزی می‌تواند بلوغ فکری، عاطفی و معنوی را در مواجهه جوانان با امر هم‌سرگزینی تقویت و تسریع کنند». یکی از کارشناسان تأکید داشت: «مهمترین بلوغ در نسل جوان امروز بلوغ حل مسئله است که ارتباط و هم‌بستگی جدی با مسئله هم‌سرگزینی دارد». کارشناس دیگری در همین رابطه معتقد بود «اگرچه مراکز مشاوره پیش از ازدواج وجود دارد، اما آنچه از اهمیت بالاتری برخوردار است این است که بتواند دختران و پسران را با گزینه‌هایی مواجه سازد که قدرت تصمیم‌گیری و بلوغ فکری آنها را نسبت به جنس مخالف بالا برده و ضریب اعتماد به نفس آنها برای تشکیل یک زندگی مشترک با شخص دلخواهشان را به میزان زیادی افزایش دهد».

در نهایت سومین عاملی که بر ضرورت چنین ساختاری تأکید می‌کرد، جلوگیری از هزیه‌گی‌ها در امر هم‌سرگزینی است. برخی از دختران و کارشناسان تأکید داشتند که «مهمترین دلیل برای ارتباط با یک پسر به دور از اطلاع خانواده صرفاً به خاطر آشنایی بیشتر برای ازدواج بوده است. امکانات و شرایط ارتباطی جدید نه تنها جوان را در این عرصه کمک نکرده، بلکه عاملی برای بروز هزیه‌گی شده و جوان را از اهدافی که به خاطر آنها ارتباط را شروع کرده بود، دور ساخته است». یک کارشناس فرهنگی (روحانی مبلغ) تأکید داشت که «سیستم‌های محله‌محور نظیر مساجد، کانون‌های فرهنگی و همچنین نهادهای فرهنگی در دانشگاه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز این حرکت بزرگ باشند».

بر اساس آنچه در خلال تحلیل کدها کشف شد می‌توان نتیجه گرفت که با رشد فزاینده فردگرایی و منفعت‌طلب شدن جامعه دلیل حذف روای در انتخاب همسر این است که «افراد با این تعبیر که به دنبال دردسر نیستیم حاضر نیستند دوستان و آشنایان خود را برای ازدواج به هم معرفی کنند. چون افراد

می‌بینند بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود، از معرفی و واسطه‌شدن بین دو نفر برای ازدواج ترس دارند و لذا به تدریج راوی‌ها از ازدواج‌های اصفهانی‌ها حذف شده‌اند.

## ۷-۲. افول قدرت خانواده در انتخاب‌ها

مصاحبه‌ها نشان داد که امروزه قدرت خانواده‌ها در اصفهان در فرایند انتخاب همسر برای جوانان شان بسیار کم‌رنگ شده و به شکلی مشروعیت خود را برای تصمیم‌گیری در مورد آینده آنها به طور فزاینده‌ای از دست داده‌اند. با این حال، از نگاه مصاحبه‌شده‌گان سه عامل اساسی موجب تضعیف و کاهش نگاه مقبول فرزندان به خانواده‌هایشان در امر انتخاب همسر آینده‌شان کشف شده است. کارشناسی، به عنوان نخستین عامل معتقد بود «ورود بی‌حد و مرز جوانان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و فضاها و مشاغل کاذب (به‌ویژه دختران) موجب شده که خانواده‌ها به فرزندان خود که عمدتاً تحصیل کرده هم هستند اعتماد کرده و آنها را به شکلی در اجتماع رها کرده‌اند». از سوی دیگر خانم‌ها و آقایان طلبه مصاحبه‌شده بر این باور بودند که «واگذاری بیش از حد اختیارات به جوانان و عدم نظارت بر آنها باعث به وجود آمدن این حس در آنها شده که نیازی به مشورت با خانواده برای ازدواج نداشته و صلاحیت تصمیم‌گیری و انتخاب برای آینده خودشان را با ایده‌های شخصی مدیریت کنند».

از نگاه یکی از کارشناسان عامل دیگری که این پدیده را تشدید کرده است «بلوغ جنسی و احساسی زود هنگامی است که رسانه‌های جدید با ارائه محتوای ناهمگون و نه انتخاب شده برای گروه‌های سنی مختلف، برای نوجوانان و جوانان ایجاد کرده‌اند. این بلوغ زودرس که البته متوازن نبوده و در همه ابعاد عقلی و ... در جوانان شکل نگرفته است، باعث شده این نسل خانواده را دارای صلاحیت برای تصمیم‌گیری ندانسته و خود دست به کار شوند». در همین راستا کارشناس دیگری می‌گفت: «وقتی خانواده‌ها برای انتخاب فرزندشان تصمیم می‌گیرند به مسائلی توجه دارند که جوان آنها کمتر به آن توجه دارد و زمانی که خود جوان برای ازدواج تصمیم می‌گیرد به مسائلی دیگر توجه دارد که خانواده به آنها بی‌توجه یا کمترین توجه را دارد. معمولاً خانواده‌ها به ارزش‌ها، اصالت، طبقه اجتماعی و مسائل منطقی ازدواج توجه داشته اما جوانان بر جذابیت‌ها، علاقه، عشق و موارد بین‌فردی متمرکزند. به نظر آنها ازدواجی موفق است که منطق و عشق با هم تداخل کند».

عامل دیگری که شکل‌گیری این مضمون را در قالب کدهای زیادی حمایت می‌کرد «سخت‌گیری‌های بیش از حد خانواده‌های اصفهانی در انتخاب همسر برای فرزندان خود» بود. مصاحبه‌شوندگان دختر می‌گفتند: «جوانی (دختران بیشتر) که قصد ازدواج دارد تمایلی به ماندن پشت درهای قفل شده سنت‌های خانواده‌های اصفهانی برای ازدواج را ندارد». ناظر به همین گفته یکی از

کارشناسان پاسخ داد که «نسل امروز از سویی صبر را تمرین نکرده و از سوی دیگر خانواده قصد کوتاه آمدن از معیارهای سخت‌گیرانه خود را ندارد و این‌جا است که راه این دو از هم جدا می‌شود و جوان خود دست به انتخاب همسر دلخواه می‌زند». در همین رابطه دختران و پسران می‌گفتند: «معمولاً زمانی موفق به انتخاب خوب می‌شویم که پدر و مادرمان در حالی که فرزند خود را راهنمایی می‌کنند به انتخاب او هم احترام بگذارند. در واقع پدرها و مادرهای ما هم باید بدانند وظیفه آنها در انتخاب همسر، نسبی است. یعنی اینکه نظر آنها ارشادگونه است و نه اینکه مدام به دنبال تحمیل کسی بر فرزند خودشان باشند».

### بحث و نتیجه‌گیری

از مقدم‌ترین بحث‌های مربوط به خانواده، مسئله انتخاب همسر است. انتخاب همسر واجد فرایندی است که در جوامع مختلف به شکل‌های گوناگون صورت می‌گیرد. بدون تردید این انتخاب‌ها تحت تأثیر شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شاهد آسیب‌های جدی بوده است. هدف از انجام این پژوهش کشف و بر ساخت‌کردن همین آسیب‌ها در شهر اصفهان بود. تحلیل ۷ تم اصلی نشان داد که خانواده‌های اصفهانی در انتخاب همسر اقتصادی می‌اندیشند. به این معنا که بسیاری از کمبودهای اقتصادی و در واقع آرزوهای مالی خویش را در ازدواج فرزندان با یک خانواده مرفه جستجو کرده و حاضر نیستند فرزندان با فردی که به لحاظ اقتصادی با آنها هم طبقه و یا در طبقات پایین‌تری قرار دارد ازدواج کند. معیارهای دینی و اخلاقی در امر انتخاب بسیار کم‌رنگ شده و این معیارها به عنوان اولویت دست‌چندم بعد از اولویت‌های مادی قرار گرفته‌اند. تصور جوانان این است که انتخاب همسر از یک خانواده با موقعیت اجتماعی بالا می‌تواند شرایط زندگی و موقعیت اجتماعی آنها را ارتقاء بخشد و یکی از مهمترین مسیله‌های میان‌بر برای رهایی از طبقه اجتماعی و یا برون‌رفت از این شرایط است. بسط و سهولت‌یافتگی روابط بین جنسیتی، شرایط بد زندگی، فرار از خانه، ناسازگاری والدین و عدم ناسازگاری خودشان با والدینشان موجب شده به محض ملاقات با جنس مخالف آن هم بدون اطلاع خانواده، اقدام به انتخاب‌های سریع و عاشقانه می‌کنند. تضاد بین انتخاب مدرن و ازدواج سنتی نیز به امر انتخاب آنها آسیب زده است؛ به این معنا که تضاد در فکر سنتی و مدرن ذائقه جوانان را تغییر داده و موجب دیده‌نشدن اختلافات فرهنگی آنها با خانواده‌هایشان شده است. با این حال، فقدان سیستم و ساختاری برای انتخاب همسر به این آسیب‌ها دامن زده است. در واقع، با رشد شبکه‌های اجتماعی، راوی سنتی در معرفی زوج‌ها از بین رفته و نوع جدیدی از راوی در حال شکل‌گیری است. از این‌رو، نه تنها ابعاد این راوی جدید از طرف هیچ‌گونه سازمان یا نهاد قانون‌مندی تعریف نشده، بلکه سازوکاری نیز برای معرفی دختران و پسران به یکدیگر که ناظر به شرایط جدید باشد، ایجاد نشده است. با این حال، در پس تضعیف هژمونیک فرهنگ سنتی، توسعه میدان حضور جوانان در جامعه، رشد فزاینده خودمختاری آنها، اعتمادشان به بیرون

از خانه، زودرس شدن بلوغ‌های ذهنی، جنسی، احساسی و همچنین سخت‌گیرهای بیش از حد، قدرت و مشروعیت خانواده‌ها در فرایند انتخاب همسر برای فرزندان‌شان به افول گراییده است.

### Reference

- Alireza Shayanmehr (1998), **Comparative Encyclopedia of Social Sciences**, Tehran: Kayhan Publishing House.
- Azad Ermaki, Taghi, Maleki, Amir (2007), Analysis of Traditional and Modern Values at Micro and macro levels, **Journal: Social Science Letters**, No. 30, Pages: 97 to 122
- A'azi, Shahla (1997); **Family Sociology, with an emphasis on the role, structure and function of the family in contemporary times**; Tehran: Enlighteners and women's studies.
- Adibi, Hussein (1975) **Sociology of Social Classes**, Tehran, Faculty of Social Sciences and Cooperatives.
- Barrett, Michele(1980), **Women's Oppression Today**. London: Verso.
- Becker, Gary(1981),**A Treatise on the Family**. Chicago: University of Chicago Press.
- Eskandari Cherati, Azar. (2008), Investigating the Social Factors Affecting the Late Marriage Age in Iran with Emphasis on Golestan Province, **Quarterly Journal of Sociology of Azad University of Azad University**, Vol. 4, No. 3.
- Gholamreza Rajabi; Ebrahimi Novandani, Maryam; Khojestameh Mehr, Reza (2011), **Comparison and ranking of cluster preferences among a group of male and female students and students in Kurds, Arabs and Bakhtiari**, Shahid Chamran University of Ahvaz, Two Quarterly Journal of Clinical Psychology and Personality, Volume 2, Issue 4, Pages: 61-74.
- Goldscheider, Frances and Linda Waite(1986), Sex Differences in the Entry into Marriage,**American Journal of Sociology** 92:91-109.
- Hossein Khani Nayini, Hadi (2010), Ways of Choosing a Spouse from the Viewpoints of Islam, Magazine: **Islam and Educational Research**, Autumn and Winter, No. 4, Pages: 21 to 44.

- 
- Ismaili Reza, Ghasemi Vahid, Fakhari Soheila (2009), Quantitative and qualitative study of the role of work immigrants on the diversity of the wife of Mobarakeh, **Journal of Social Sciences**, Volume 3, Issue 7, Pages: 65 to 86.
  - Imani, Mohsen (2007), **Methods of Choosing a Spouse**, Tehran: Publication of the Association of Parents and Coaches.
  - Matthaeci, Julie(1980) **An Economic History of Women in America**. NY: Schocken Books.
  - McCaffery, Edward( 1997) **Taxing Women**. Chicago: University of Chicago Press.
  - Oppenheimer, Valerie(1988)A Theory of Marriage Timing, **American Journal of Sociology**.
  - Panahi, Mohammad Hussein (2010); **Theories of the Revolution: Occurrence, Process and Consequences**, Tehran: Publications
  - Saliyanian Tusi, Ali Asghar, Saeedi Nagghi, Mohammad Masoud (2005) **Journal of Social Sciences**, Ferdowsi University of Mashhad, No. 6, Pages: 87 to 108.
  - Sheikhi, Mohammad Taghi (2003), **Sociology of Women and Family**, Publishing Company.
  - Kazemipour, Shahla (2004), **The evolution of the marriage age of women in Iran and its effective population factors**, Volume 2, Issue 3, Pages: 103 to 124.
  - Couseer, Lewis (1995), **The Life and Thought of the Elders of Sociology**, Mohsen Solati, Tehran: Scientific Publications.
  - Forst, Inger, Reprstad, Paul (2016), **An Introduction to the Sociology of Religion: A Classical and Contemporary Theory**, Translated by Majid Jafarian, Qom: Adian Publishing.



